



تحلیل دوگانگی فضایی شهری با تأکید بر رویکرد زیست پذیری شهر چابهار

احمد راشکی قلعه‌نو- دانشجوی دکترای تخصصی رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، علوم انسانی، واحد یادگار امام، دانشگاه

آزاد اسلامی، تهران، ایران

علیرضا استعلاجی - استادیار گروه جغرافیا، علوم انسانی، واحد یادگار امام، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

al_estelaji@yahoo.com

بهرام آزاد بخت - گروه جغرافیا، علوم انسانی، واحد یادگار امام دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۳

دریافت: ۱۴۰۳/۵/۱۸

چکیده

شهرنشینی شتابان ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی، کمبود مسکن و حاشیه‌نشینی را به همراه آورده و محیط‌زیست را نیز در معرض تهدید قرار داده است. دوگانگی اجتماعی، اقتصادی و به تبع آن دوگانگی فضایی حاصل تأثیرات متقابل عوامل مختلفی است که در پی رشد شتابان شهرنشینی به وجود آمده است. دوگانگی فضایی می‌تواند در میزان و سطح زیست پذیری محلات شهری اثر مستقیم داشته باشد. با توجه به این مشکل، سؤال اصلی پژوهش تحلیل عوامل و زمینه‌هایی است که موجب ایجاد دوگانگی در وضعیت زیست پذیری شهرستان چابهار شده است. هدف اصلی پژوهش تحلیل دوگانگی فضایی دهستان‌های شهرستان چابهار مبتنی بر زیست پذیری است. پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت تحلیلی و از نظر روش کیفی - کمی است. روش جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای است. جامعه‌ی آماری تحقیق را ۸۰ نفر از کارشناسان ذی‌ربط دهیاری شهر چابهار و اساتید جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری تشکیل می‌دهند و تکنیکی که در این راستا استفاده شده تکنیک دلفی است. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در پژوهش حاضر احتمالی و از نوع طبقه‌ای بوده است. ۱ بزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه از نوع بسته است. برای تحلیل داده‌ها از مدل تاپسیس استفاده شده است. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که دوگانگی فضایی در شهرستان چابهار به دو دسته تقسیم می‌شود. ۱- دوگانگی فضایی در قسمت شمالی و جنوبی شهرستان ۲- دوگانگی فضایی در قسمت شرقی و غربی شهر چابهار. علاوه بر این در تحلیل معیارهای استخراج شده، معیار فرصت‌های شغلی، با کسب امتیاز ۰/۵۰۴ توانسته است رتبه اول را به خود اختصاص دهد. معیار درآمد، با کسب امتیاز ۰/۴۸۴ رتبه دوم را به خود اختصاص داده است.

واژه‌های کلیدی: دوگانگی فضایی، زیست پذیری، شهرستان چابهار

مقدمه

شهرنشینی شتابان در کشور ایران موجب بروز مشکلاتی چون ناهنجاری‌های اجتماعی، حاشیه‌نشینی، مسکن ناکارآمد و غیره شده است. تأثیر مشکلات مذکور در محلات شهری متفاوت است و موجب ایجاد تفاوت‌های اجتماعی، اقتصادی و به تبع آن دوگانگی فضایی می‌شود. از سوی دیگر دوگانگی فضایی بر سطح زیست‌پذیری محلات شهری اثر مستقیم دارد. رویکرد زیست‌پذیری شهری یا به عبارتی دیگر «زیست‌پذیر کردن شهرها»، یکی از رویکردهای جدید در حوزه توسعه پایدار برای حل مسائل و معضلات شهری است. شهر زیست‌پذیر دارای شرایط محیطی است که از نظر کالبدی بادوام، از نظر زیست‌محیطی پاک، از نظر اقتصادی پایدار، و از نظر اجتماعی هویت‌پذیر باشد. بنابراین جامعه‌ای می‌تواند پایدار باشد که از نظر ابعاد چهارگانه کالبدی، زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی، دارای شرایط مطلوب باشد. زیست‌پذیری شهری به جنبه‌هایی اشاره دارد که در افزایش کیفیت زندگی نقش دارند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶).

عوامل متعددی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی و زیست‌محیطی بر شرایط کیفیت زندگی و زیست‌پذیری شهرها بسیار اثرگذار هستند به طوری که با ناپایداری یکی از عوامل، کل مجموعه و سیستم را با مشکل روبرو کرده و بر سطح زیست‌پذیری اثر منفی می‌گذارد. در حوزه کالبدی، فرم و ساختار فضایی شهر با نحوه توزیع و قرارگیری مکانی عناصر در فضا و ارتباط بین این عناصر با هم‌دیگر بر سطح زیست‌پذیری و کیفیت زندگی اثرگذار می‌باشد. همچنین نوع چیدمان فضایی و فرم‌ها در ساختار فیزیکی شهرها با تأثیرپذیری از شرایط اجتماعی، اقتصادی شهر موجب دوگانگی فضایی در سطح محلات می‌شود این دوگانگی فضایی اثرات خود را در شاخص‌های زیست‌پذیری نمایان می‌سازد به طوری که با کاهش یا افزایش تراکم ساختمانی، محصوریت فضا، شکل و اندازه قطعات سطح زیست‌پذیری نیز تغییر می‌کند.

در همین راستا پژوهش حاضر به دنبال تحلیل عوامل مؤثر بر دوگانگی فضایی مبتنی بر زیست‌پذیری شهرستان چابهار است. ضرورت طرح مبحث دوگانگی فضایی زیست‌پذیری در شهرستان مورد مطالعه از آنجاست که در صورت عدم توجه به زیست‌پذیری شهرستان چابهار، مسائلی چون ازدحام جمعیت مهاجر، خروج جمعیت بومی منطقه، از بین رفتن تعاملات اجتماعی، تغییر کاربری‌ها، افزایش بافت‌های فرسوده گسترده در سطح منطقه، شبکه ارتباطی و خدمات زیربنایی ضعیف، عدم مدیریت کارآمد و یکپارچه و مواردی از این قبیل، بیشتر می‌شود و پایداری شهر را با بحران مواجه می‌سازد. همچنین از طرفی با توجه به اینکه شاخص‌های مؤثر برنامه‌ریزی شهری در زیست‌پذیری، ویژگی‌های کلی اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، مدیریتی و کالبدی شهرستان چابهار را نمایان می‌کند؛ می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت در برنامه‌ریزی توسعه شهر به کار گرفته شود.

در ارتباط با مفهوم زیست‌پذیری و دوگانگی فضایی در شهرها پژوهش‌های متعدد خارجی و داخلی انجام شده است که به بعضی از آنها در جدول شماره ۱ اشاره شده است:

جدول ۱ پیشینه پژوهش

ردیف	پژوهشگر	سال	عنوان	نتیجه
۱	ژانگ و همکاران	۲۰۲۳	حل چالش‌های حکمرانی شهری: ارزیابی عینی و بیش کارشناسان در مورد زیست پذیری در منطقه شنژن	نتایج نشان می‌دهد در حالی که اکثر جوامع نمرات بالایی در زیست پذیری به دست آورده‌اند، مناطق خاصی از نظر سیل، آلودگی و امکانات عمومی عملکرد ضعیفی از خود نشان می‌دهند. به‌طور کلی، یک تمایز فضایی سلسله مراتبی در زیست پذیری وجود دارد که به تدریج از مرکز به مناطق بیرونی کاهش می‌یابد. برای کشف چالش‌های حاکمیت شهری در پس این یافته‌های فضایی، تحلیل موضوعی انجام شد و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۱۰ کارشناس محلی انجام شد. چهار چالش به‌طور خاص شناسایی شد: فقدان سیاست‌های حمایتی در حکمرانی سیل، مشکل در نظارت بر آلودگی، عدم برنامه‌ریزی بلندمدت در حکمرانی تسهیلات عمومی، و اختلافات بر سر حاکمیت مناطق کم زیست پذیر به نام «روستاها شهری».
۲	تاراج شیخ و همکاران	۲۰۲۲	ارتقای زیست پذیری از طریق برنامه‌ریزی شهری: چارچوبی جامع بر اساس «نظریه نیازهای انسانی»	تلاش برای سنجش زیست پذیری در ارتباط با برنامه‌ریزی شهری، علی‌رغم تلاش‌های فراوان برای درک و نظریه‌پردازی مفاهیم زیست پذیری، کیفیت زندگی و نیازهای انسانی، پدیده‌ای نسبتاً جدید است. رتبه‌بندی بین‌المللی زیست پذیری به‌طور فزاینده‌ای توسط و مدیران شهری برای ارزیابی وضعیت فعلی شهر و مقایسه آن با سایر شهرها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حالی که این رتبه‌بندی‌ها بر ماهیت چندوجهی زیست پذیری تأکید می‌کنند و دولت‌های شهر را تشویق می‌کنند تا زیست پذیری را ارتقا دهند.
۳	زانلا و همکاران	۲۰۱۵	ارزیابی قابلیت زیست پذیری شهرها از طریق ادغام رفاه شهروندان و اثرات زیست‌محیطی	ابتدا یک مدل مفهومی برای ارزیابی زیست پذیری شهری ارائه داده‌اند. سپس میزان زیست پذیر بودن شهرها اندازه‌گیری شده است. به همین منظور، به ایجاد شاخص‌های ترکیبی بر مبنای مدل تحلیل پوششی داده‌ها پرداخته شده است. سپس به‌منظور اندازه‌گیری عملکرد هر شهر در زمینه زیست پذیری، با استفاده از

<p>شاخص‌های ورودی و خروجی به مقایسه آن‌ها پرداخته شده است. بنابراین با استفاده از مدل ورودی محور و متغیرهای رفاه شهروندان و اثرات زیست‌محیطی به تعیین محدودیت‌ها و اندازه‌گیری کارایی پرداخته شده است.</p>				
<p>نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از نظر شاخص‌های توسعه گردشگری و زیست‌پذیری مناطق روستایی دارای وضعیت مطلوب بوده است. همچنین اثرات گردشگری بر توسعه زیست‌پذیری مناطق روستایی حدود ۶۹ درصد مثبت تلقی شده است و بیشترین تأثیر مربوط به بعد کالبدی است.</p>	<p>تحلیل اثرات توسعه گردشگری بر زیست‌پذیری مناطق روستایی (نمونه موردی: شهرستان طارم)</p>	۱۴۰۱	قاسملو و همکاران	۴
<p>یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که محله نیلوفر با ۰/۹۶۷ امتیاز رتبه یک و محله عباس‌آباد با امتیاز ۰/۹۱۴ بیشترین امتیاز زیست‌پذیری بودن را به خود اختصاص دادند محله‌های هستند در قسمت شمالی منطقه قرار گرفتند. در مقابل محله شاهد و نظام‌آباد به ترتیب با ۰/۰۸۲ و ۰/۲۲۰ کمترین امتیاز به خود اختصاص دادند در منطقه ۷ شهر تهران تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، تغییر در کاربری اراضی مسکونی و تبدیل آن به مراکز تجاری و اداری محله‌ها و مناطق سبب کاهش زیست‌پذیری و عدالت فضایی شده است که پیامد آن ظهور مشهود دو کانگی فضایی در این مناطق است</p>	<p>تحلیل دوگانگی فضایی زیست‌پذیری در منطقه ۷ کلان‌شهر تهران</p>	۱۴۰۰	جلیلی و همکاران	۵

منبع: یافته‌های نگارندگان، ۱۴۰۲

مبانی نظری

بر اساس نظر اکثر نظریه‌پردازان اصطلاح «زیست‌پذیری» به‌عنوان یک اسم به معنای «ویژگی‌های قابل زندگی بودن» است، همچنین می‌تواند به معنی «مناسب بودن برای زندگی انسان» نیز تعریف شود و به‌عنوان یک صفت به معنای «مناسب یا قابل قبول برای زندگی» است (وارثی و دیگران، ۱۳۹۷). با این وجود، «میزان مناسب بودن» بستگی به ارزش‌ها و زمینه‌های خاص هر جامعه در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن دارد. برخی از اندیشمندان زیست‌پذیری شهری را به‌صورت سازگاری بین فرم و فعالیت معرفی می‌کنند برخی دیگر خاطر نشان می‌کنند که زیست‌پذیری شهرها به این بستگی دارد که هر مکان بستر چه رفتارهای را تأمین می‌کند و تمایلات مردم نسبت به آن‌ها چگونه باشد. بنابراین طبق نظر لانگ زیست‌پذیری به‌عنوان میزان سازگاری بین محیط و فعالیت‌های صورت گرفته در آن تعریف شده است (ونگ، ۱۳۹۸). زیست‌پذیری به‌عنوان یک مفهوم می‌تواند با



توجه به بستر و زمینه‌ای که در آن تعریف می‌شود، بسیار گسترده و یا محدود باشد. باین وجود، کیفیت زندگی در هر مکان در مرکز توجه این مفهوم قرار داشته و شامل نماگرهای قابل اندازه‌گیری بسیار متنوعی است که معمولاً تراکم، حمل و نقل، امنیت و پایداری، اجزای ثابت آن را تشکیل می‌دهد (خراسانی، ۱۳۹۷). در بیشتر تعاریف موجود، معنای زیست‌پذیری معادل کیفیت زندگی در نظر گرفته شده است: کیفیت زندگی که توسط شهروندان یک شهر تجربه می‌شود با توانایی آن‌ها برای دسترسی به زیرساخت‌ها (حمل و نقل، ارتباطات، آب و فاضلاب)، غذا، هوای پاک، مسکن ارزان‌قیمت، اشتغال مؤثر و فضای سبز و پارک‌ها گره خورده است. همچنین میزان زیست‌پذیری یک شهر با نحوه و میزان مشارکت ساکنان آن شهر در تصمیم‌گیری برای برآوردن نیازهای خود تعیین می‌شود. در چنین زمینه‌ای پایداری عبارت از توانایی تقویت کیفیت زندگی است که می‌توان برای آن ارزش قائل شد (ماجدی، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر در ارتباط با دوگانگی فضایی با تأکید بر زیست‌پذیری شهری نظریه پردازان عوامل متعددی را در سازمان فضایی شهرها مؤثر می‌دانند. به‌طور کلی دوگانگی فضایی سبب می‌شود که از فضا استفاده بهینه به عمل نیامده و موجب تراکم جغرافیایی فقر و تشدید محرومیت شود. فضا به‌عنوان مفهومی جغرافیایی در قلمرو حیات جمعی شکل می‌گیرد و از این نظر دربرگیرنده تمامی عرصه‌های حیات انسانی اعم از اقتصادی سیاست، فرهنگ، هویت و ... می‌باشد (جوان، ۱۳۸۷).

بورديو معتقد است انسان‌ها در فضا زندگی می‌کنند یعنی رابطه‌ای پیوسته از کنش‌های متقابل با آن دارند؛ از آن تغذیه می‌شوند و آن را تغذیه می‌کنند، از آن تغییر پذیرفته و آن را تغییر می‌دهند. در فضای شهری و سازمان فضایی آن، انواع مختلف فضاها را می‌توان با نام میدان شناسایی کرد مثلاً فضای اوقات فراغت را می‌توان یک میدان فرهنگی یا فضای فرهنگی در نظر گرفت که توسط خود افراد جامعه در طی زمان ساخته می‌شود. همچنین بورديو معتقد است اثرگذاری میدان قدرت بر همه میدان‌ها قطعی بوده و می‌توان آن را نیروی فرادست نسبت به دیگر میدان‌ها محسوب کرد، اراده قدرت حاکمه که ممکن است متأثر از جهت‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... باشد نقش تأثیرگذار بر معماری فضای شهری و سازمان فضایی آن دارد (پیربابایی، ۱۳۹۹).

لینچ با رویکردی هنجاری به موضوع شکل شهر و سازمان فضایی آن نگریده است و نظریه شکل خوب شهر را جهت بیان و ارائه خصوصیات عملکردی سازمان فضایی شهر بیان می‌کند، وی با استناد به شکل فضای شهر، هفت محور عملکردی زیر را برای تعیین سازمان فضایی خوب شهری پیشنهاد می‌کند:

۱- سرزندگی: یعنی اینکه تا چه اندازه شهرها، حامی عملکردهای حیاتی، نیازهای زیستی و توانایی‌های انسانی بوده و از همه مهم‌تر چگونه بقاء همه موجودات را ممکن می‌سازد.

۲- معنی: یعنی اینکه شهر تا چه اندازه می‌تواند به‌وضوح درک شده، از نظر ذهنی قابل‌شناختی باشد و ساکنین آن آن را در زمان و مکان به تجسم درآورند و تا چه اندازه آن ساختار ارزش‌ها و مفاهیم جامعه در ارتباط است. یعنی



انطباق محیط با توانایی‌های احساسی و ذهنی و ساختارهای فرهنگی. هویت، ساختار، سازگاری، شفافیت و خوانایی جنبه‌های از معنی هستند.

۳-تناسب: یعنی اینکه شکل و ظرفیت فضاها، معابر و تجهیزات شهری تا چه اندازه با الگو و کمیت فعالیت‌هایی که مردم به‌طور عادی به آن اشتغال دارند منطبق است.

۴-دسترسی: توانایی دسترسی به سایر افراد، فعالیت‌ها، منابع، خدمات، اطلاعات و یا اماکن، شامل کمیت و تنوع عناصری که می‌توان به آن‌ها دسترسی کرد.

۵-نظارت و اختیار: یعنی اینکه استفاده و دسترسی به فضاها و فعالیت‌ها و ایجاد، تعمیر، اصلاح و مدیریت آن‌ها تا چه اندازه توسط کسانی که از آن استفاده می‌کند، صورت می‌گیرد.

۶-کار آیی: به مفهوم هزینه‌ها ایجاد و نگهداری شهر در سطح مورد نظر.

۷-عدالت: به معنی چگونگی توزیع سود و زیان محیطی بین افراد طبق اصول خاصی مانند برابری، ارزش ذاتی، قدرت پرداخت، تلاش، کمک بالقوه و یا قدرت (میری، ۱۳۹۸).

راپاپورت معتقد است مردم قبل از آنکه به‌صورت خودآگاه در مورد یک محیط صحبت کرده یا آن را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهند به صورتی ناخودآگاه نسبت به آن حسی پیدا می‌کنند و تصویر کاملی از آن محیط و ویژگی‌هایش در ذهن آن‌ها شکل می‌بندد، به همین دلیل احساس می‌کنند که برخی از نواحی شهری یا اشکال خانه را دوست دارند، منظور این است که انسان‌ها قادرند محیط را با استفاده از اشاره‌ها و نشانه‌های آن معنی کنند، ذهن انسان همیشه در حال معنی‌سازی است و به همین دلیل دست به تمایز و دسته‌بندی محیط پیرامونش می‌زند و این معنی جدای از عملکرد، نیست بلکه مهم‌ترین جنبه آن است. به‌طور خلاصه راپاپورت معتقد است سازمان فضایی شهری از ادراک و ذهنیت و معانی و فرهنگ افراد آن فضا شکل می‌گیرد که خود بر رفتار و عملکرد افراد آن فضا اثر می‌گذارد (جوان، ۱۳۸۷).

کانتور سازمان فضایی شهر را با حس مکان توضیح می‌دهد، حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم‌ویش آگاهانه آن‌ها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد. به‌طوری‌که فهم و احساس فرد با زمینه معانی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. حس مکان علاوه بر اینکه موجب احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود. سازمان فضایی مکان‌ها نقش حیاتی در توسعه و حفظ هویت گروهی مردم بازی می‌کنند و ادراک مکان به‌عنوان فرآیندی تجربی، حس تعلق به مکان را در مردم تشویق می‌کند و میزان وابستگی به مکان را افزایش می‌دهد (جلیلی، ۱۴۰۰).



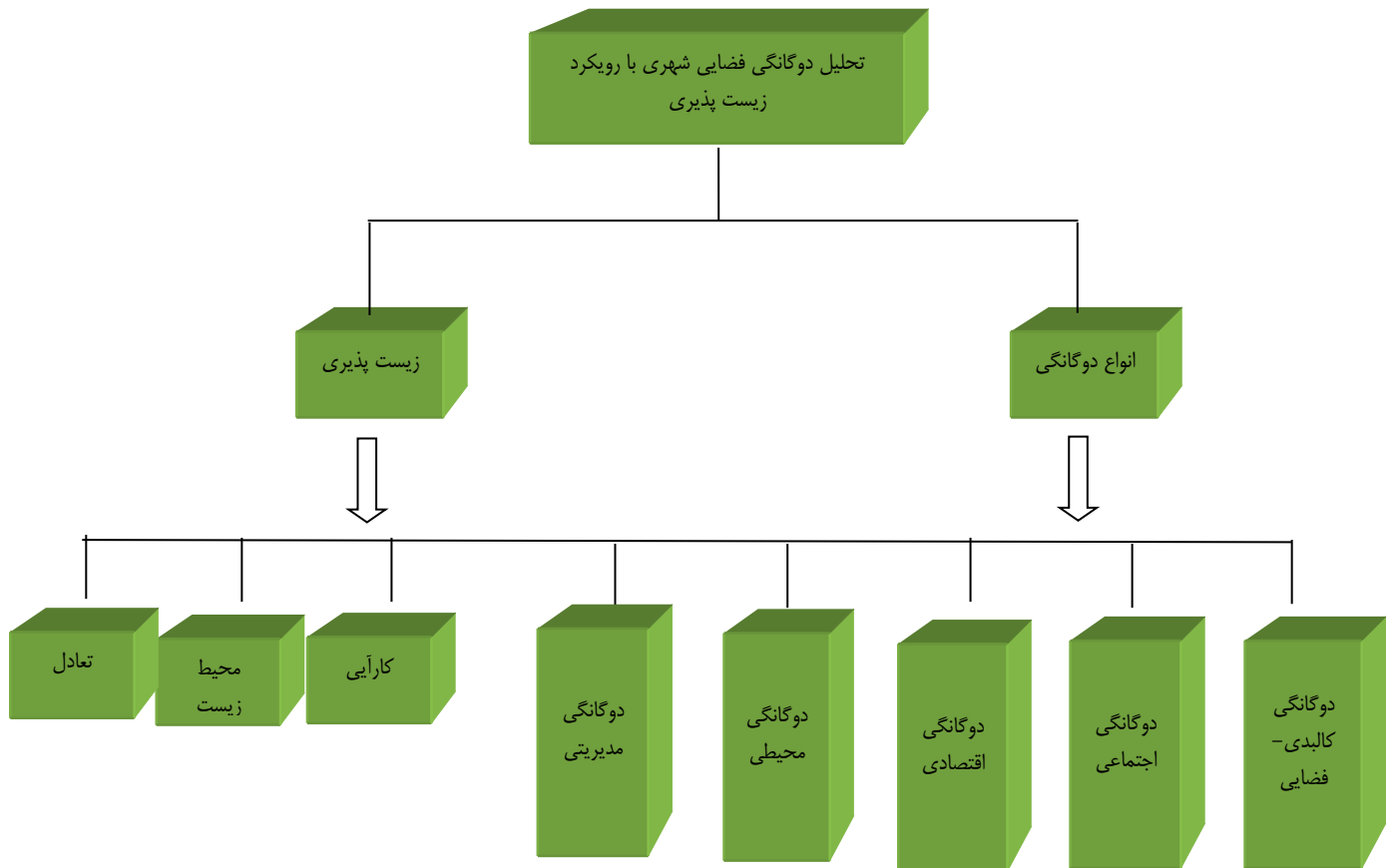
به طور خلاصه گزیده‌های نظریه‌پردازان در ارتباط با سازمان فضایی با تأکید بر زیست پذیری در جدول شماره ۲ نشان داده شده است و چارچوب مفهومی دوگانگی فضایی با رویکرد زیست پذیری شهری در شکل شماره ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۲. نظریه‌پردازان سازمان فضایی با تأکید بر زیست پذیری شهری

ردیف	نظریه پرداز	رویکرد	نظریه	چکیده نظریه	تأثیر نظریه بر سازمان فضایی شهر
۱	بورديو	ساختارگرایی تکوینی	نظریه میدان	وی در پژوهش از شهر خود با تلفیق عینیت‌گرایی، فضای شهری را به فضای خرد تقسیم می‌کند که البته دارای سلسله‌مراتب‌اند. هر فضای خرد میدان نامیده می‌شود. اصلی‌ترین میدان‌ها میدان قدرت است.	وی، معتقد است، سازمان فضایی شهرداری سلسله‌مراتبی از پیش تعیین شده است که باید به صورت عینی، در فضاهای شهری دیده می‌شود، میدان قدرت بیشتری تأثیر را بر سازمان فضایی شهر اعمال می‌کند و چگونگی آن را مشخص می‌نماید.
۲	لینچ	معناشناختی با گرایش تاریخی	شکل شهر خوب	این نظریه با تکیه بر اصول معماری و تاریخی سعی در بازسازی محلات شهری و ارائه سیمای یک فضای شهری خوب و سازمان‌دهی جدید برای آن است.	لینچ با رویکردی هنجاری به موضوع شکل شهر و سازمان فضایی شهر نگریسته است و این نظریه را برای بیان خصوصیات عملکردی سازمان فضای شهر ارائه کرده است که هدف آن محور عملکردی را برای تعیین سازمان فضایی خوب شهری پیشنهاد می‌دهد که عبارتاً انداز (سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیاری، کار آیی، عدالت)
۳	رپاپورت	ساختارگرا	سازمان‌دهی فرهنگی فضا	وی در این نظریه سازمان فضایی شهر را منوط به منظم کردن چهار عامل، فضا، مفهوم، ارتباط و سازمان	در سازمان فضای شهر رادر بردارنده مجموعه‌ای از ارتباطات می‌داند و حلقه گمشده فضای عینی و ذهنی را هنجاری فرهنگی

<p>می‌داند، وی ایجاد سازمان فضایی و شکل دادن به محیط را از ویژگی‌های ذهنی می‌داند انسان‌ها با توجه به معیارهای فرهنگی دست به سازمان‌دهی فضای خود می‌زنند.</p>	<p>می‌داند.</p>				
<p>وی از آنجا که معتقد است سازمان فضایی مکان‌ها نقش حیاتی در توسعه و حفظ هویت گردد و مردم بازی می‌کنند و لذا در سازمان فضایی شهر با پدیدار کردن مکان به عنوان فرآیندی تجربی، حس تعلق به مکان را در مردم تشویق کند و میزان وابستگی به فضا را افزایش می‌دهد.</p>	<p>در این نظریه مکان از سه عامل کالبدی، فعالیت و تصورات استفاده شده است. حس مکان علاوه بر ایجاد احساس راحتی در محیط، باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌باشد.</p>	<p>حس مکان</p>	<p>ساختارگرا</p>	<p>کانتر و پانتر</p>	<p>۴</p>

منبع: یافته‌های نگارندگان، ۱۴۰۲





شکل ۱. چارچوب مفهومی دوگانگی فضایی با رویکرد زیست پذیری شهری

منبع: یافته‌های نگارندگان، ۱۴۰۰

روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ ماهیت کاربردی و به لحاظ روش مبتنی بر روشی توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری از ۸۰ نفر از کارشناسان دهیاری شهر چابهار و اساتید رشته برنامه‌ریزی شهری تشکیل شده است. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در پژوهش حاضر احتمالی و از نوع طبقه‌ای بوده است. به این ترتیب، ۶۵ نفر از جمعیت کارشناسان، به زیر جمعیت‌های واحد تقسیم می‌شود. وقتی که طبقات معلوم شدند، یک نمونه از هر طبقه استخراج می‌شود. به این معنا که در میان سازمان مدیریت شهر چابهار و اساتید به عنوان طبقه اول نمونه‌ها انتخاب شدند. پس از آن از هر طبقه تعدادی از کارشناسان و خبرگان به روش تصادفی ساده انتخاب شده است.

روش جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای است، که از آن برای تعیین چارچوب موضوعی، شناخت مفاهیم، دیدگاه‌ها و نظریات استفاده شده و بر اساس این شناخت و نیز مطالعات پایه در مورد ویژگی‌های جغرافیایی منطقه و تجربه زیست، نظریه متناسب برای تحقیق برگزیده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه از نوع بسته است. برای تحلیل دوگانگی فضایی با تأکید بر زیست پذیری از مدل تاپسیس استفاده شده است.

در تکنیک تاپسیس در گام اول ماتریس داده‌ها تشکیل می‌شود. در گام دوم داده‌ها استاندارد می‌شوند و در گام سوم به داده‌های استاندارد شده وزن داده می‌شود. در گام چهارم فاصله هر معیار از ایده آل مثبت و منفی تعیین می‌شود و در نهایت معیارها رتبه‌بندی می‌شوند. بعد از محاسبه وزن شاخص‌ها، اعداد نرمالیزه شده را در وزن هر یک از شاخص‌ها ضرب شده و ماتریس استاندارد داده‌ها ایجاد خواهد شد. بعد از محاسبه وزن شاخص‌ها، اعداد نرمالیزه شده را در وزن هر یک از شاخص‌ها ضرب شده و ماتریس استاندارد داده‌ها ایجاد خواهد شد. (فرمول شماره ۱)

$$W = \{a_1, \dots, a_N\}$$

تعیین راه‌حل ایده آل و ایده آل منفی:

در این مرحله با استفاده از داده‌های ماتریس استاندارد، بالاترین عملکرد $(A+)$ و پایین‌ترین عملکرد $(A-)$ هر شاخص از رابطه‌های زیر محاسبه می‌گردد:

(فرمول شماره ۱)

$$A+ = \{(\text{Max } V_{ij} | j, (\text{Min } V_{ij} | i = \{1, 2, 3, \dots, m\})\}, J = \{1, 2, 3, \dots, n\}$$

$$A- = \{(\text{Min } V_{ij} | j, (\text{Max } V_{ij} | i = \{1, 2, 3, \dots, m\})\}, J = \{1, 2, 3, \dots, n\}$$

محاسبه اندازه فاصله هر گزینه از ایده آل و ایده آل منفی:



در این مرحله اقدام به تعیین معیار فاصله‌ای برای آلترنتیوهای حداکثر و حداقل می‌شود، که فرمول محاسبه آن به شرح زیر می‌باشد:

فرمول شماره ۲)

$$d_{i+} = 2$$

$$d_{i-} = 2$$

بر اساس فرمول بالا اقدام به تعیین فاصلی نسبی تا برترین معیار می‌شود سپس بر اساس آن انواع معیارها از لحاظ حداکثر و حداقل رتبه‌بندی می‌شود.

جدول ۳. متغیرهای تحقیق در ابعاد پنج‌گانه مورد بررسی

متغیرها	ابعاد	ردیف
<ul style="list-style-type: none">○ کیفیت مسکن○ امکانات آموزشی○ امکانات بهداشتی و درمانی○ امکانات تفریحی و اوقات فراغت○ وضعیت دسترسی به حمل و نقل	کالبدی-فضایی	۱
<ul style="list-style-type: none">○ آلودگی○ فضاهای عمومی	محیطی	۲
<ul style="list-style-type: none">○ هویت و حس تعلق به مکان○ تعاملات اجتماعی○ امنیت	اجتماعی	۳
<ul style="list-style-type: none">○ درآمد○ فرصت‌های شغلی○ سرمایه‌گذاری○ قیمت زمین و مسکن	اقتصادی	۴
<ul style="list-style-type: none">○ مشارکت مردمی	مدیریتی	۵

منبع: یافته‌های نگارندگان، ۱۴۰۲



محدوده مورد مطالعه

شهرستان چابهار با مساحتی حدود ۵۹۵۶۲ کیلومتر مربع در منتهی الیه جنوب شرقی ایران در کنار آب های گرم دریای عمان و اقیانوس هند قرار گرفته است. این شهرستان شامل سه بخش است که شهر چابهار در منتهی الیه جنوب غربی بخش مرکزی آن قرار گرفته است از نظر موقعیت مختصات جغرافیایی، شهر چابهار در ۲۱ درجه و ۵۷ دقیقه عرض شمالی و ۶۳ درجه و ۹۷ دقیقه طول شرقی واقع شده است. این شهر از طرف غرب به خلیج چابهار و از جنوب به دریای عمان ختم می شود. طوری که ۱۸/۵ کیلومتر خط ساحلی خط ساحلی با دریای عمان دارد به این ترتیب امکان دسترسی به آب های آزاد از این طریق برای بندر چابهار جایگاه ویژه ای را به وجود آورده است. مساحت شهر چابهار ۲۹۳۳ هکتار است (استانداری سیستان و بلوچستان ۱۳۹۱). در جدول شماره ۴ تعداد سکونتگاه های شهری و روستایی شهرستان در مقایسه با استان ذکر شده است. همچنین موقعیت جغرافیایی شهرستان چابهار و پیرامون آن در شکل شماره ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۴. تقسیمات سیاسی و تعداد سکونتگاه های شهری و روستایی شهرستان در مقایسه با استان

بخش	مرکز بخش	جمعیت بخش ۱۳۹۵	نام دهستان	مرکز دهستان	جمعیت دهستان ۱۳۹۵
مرکزی	چابهار	۱۴۵۰۰۷	کمبل سلیمان	کمبل سلیمان	۲۴۷۳۵
			وشنام دری	وشنام دری	۱۳۵۳۳
پلان	پلان	۳۳۰۰۴	پلان	پلان	۳۱۹۶۰
پیر سهراب	پیر سهراب	۲۵۲۶۵	پیر سهراب	عورکی بزرگ	۱۸۲۰۱
			بجار بازار	بجار بازار	۷۰۶۴

منبع: سند توسعه و آمایش شهرستان های استان سیستان و بلوچستان، شهرستان چابهار، ۱۴۰۰



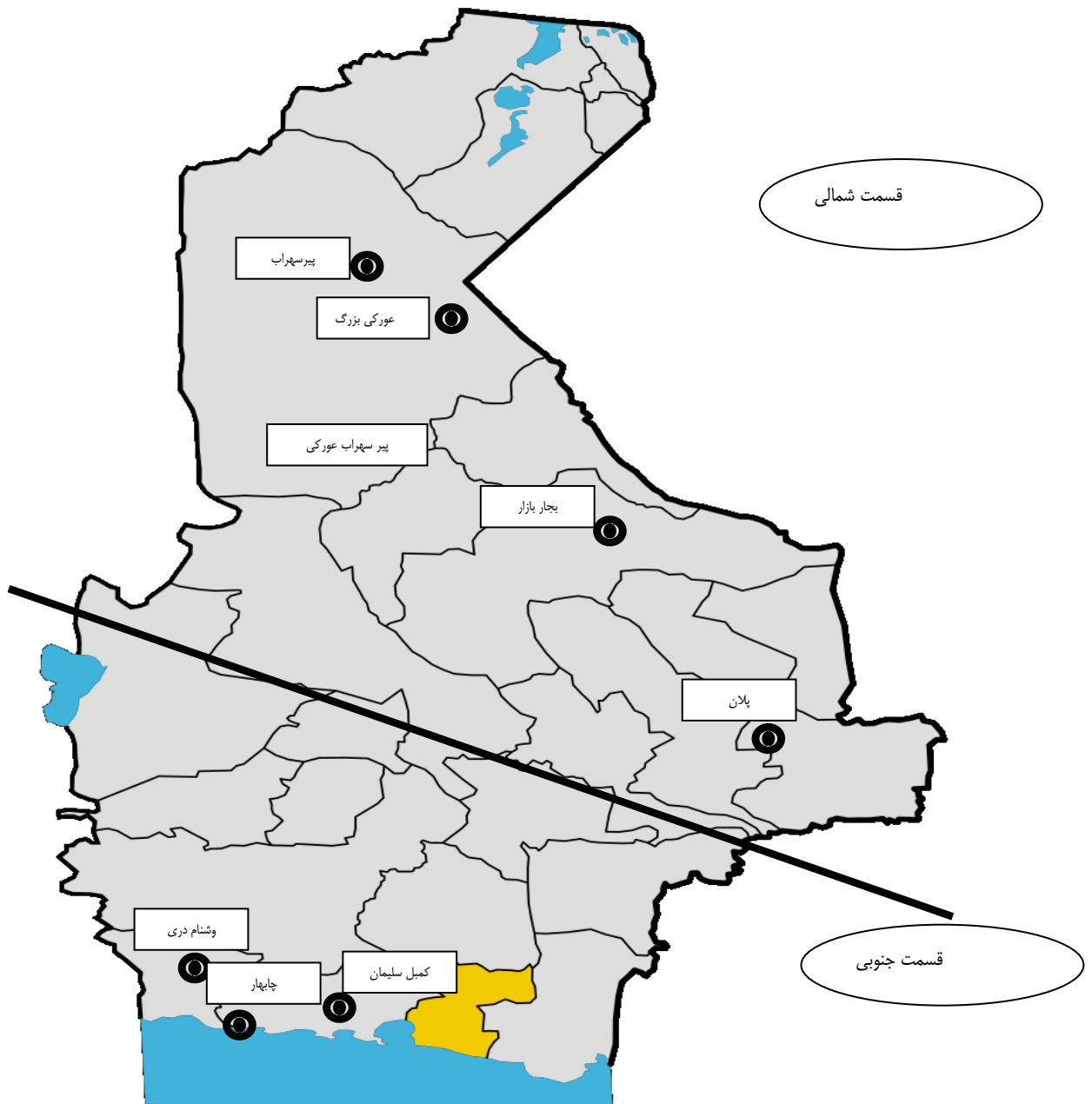
شکل ۲. موقعیت شهرستان چابهار و پیرامون آن

منبع: استانداری سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۱

یافته‌ها تحقیق

یافته‌های توصیفی

شهرستان چابهار به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. در قسمت شمالی بخش پلان دارای دهستان پلان و بخش پیرسهراب دارای دهستان پیرسهراب با کاربری آموزشی-فرهنگی قرار دارد و در قسمت جنوبی بخش چابهار دارای دهستان‌های کیمیل سلیمان و وشنام دری با کاربری خدماتی و تجاری قرار دارد. وضعیت دوگانگی فضایی در شهرستان چابهار در شکل شماره ۳ قابل مشاهده است.



شکل ۳. وضعیت دوگانگی فضایی در بخش شمالی و جنوبی شهرستان چابهار

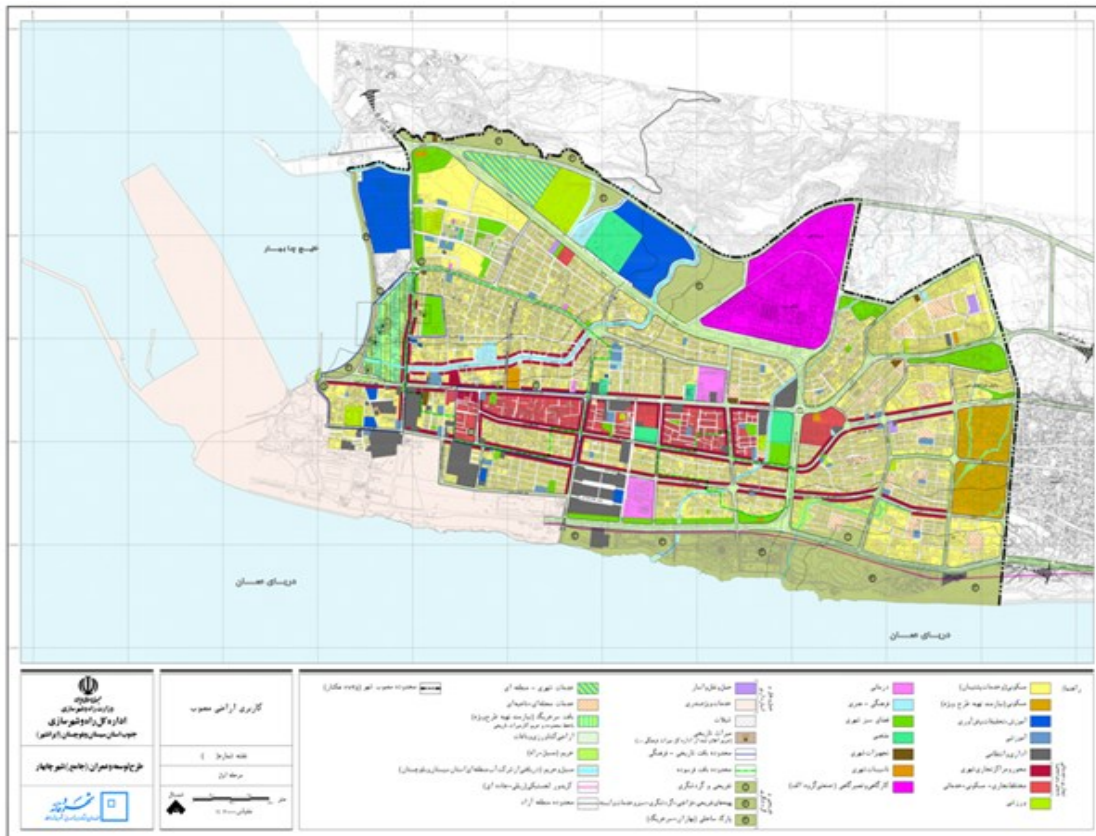
منبع: یافته‌های نگارندگان، ۱۴۰۲

به‌طور کلی دو نوع دوگانگی فضایی با تأکید بر رویکرد زیست‌پذیری قابل مشاهده است:

۱- دوگانگی فضایی میان بخش شمالی و جنوبی شهرستان چابهار، به گونه‌ای که سطح زیست پذیری در قسمت جنوبی وضعیت بهتری نسبت به قسمت شمالی دارد و این خود عامل مهاجرت جمعیت از بخش شمال به جنوب است.

۲- دوگانگی فضایی در خود شهر چابهار میان محدوده اسکان رسمی و غیر رسمی، به گونه‌ای که سطح زیست پذیری در قسمت شرقی وضعیت مناسبی نسبت به وضعیت غربی دارد.

همان‌طور که در شکل شماره ۴ مشاهده می‌شود، بیشترین کاربری در قسمت شرقی شهر چابهار شامل اسکان غیررسمی (نیازمند تهیه طرح ویژه) و پارک‌های ساحلی است و بیشترین کاربری در قسمت مرکزی و غربی شهر که دسترسی به مسیرهای آبی هم بالا است شامل کاربری اسکان رسمی، درمانی، تجاری، اداری، مذهبی، آموزشی، ورزشی و غیره است. مهم‌ترین قابلیت‌ها و تنگناها و عدم تعادل‌های ساختاری توسعه شهرستان چابهار در جدول ۵ قابل مشاهده است.



شکل ۴. وضعیت دوگانگی فضایی در قسمت شرقی و غربی شهر چابهار

منبع: طرح جامع توسعه و عمران شهر چابهار، ۱۴۰۰

جدول ۵. مهم‌ترین قابلیت‌ها و تنگناها و عدم تعادل‌های ساختاری توسعه شهرستان چابهار

ردیف	ابعاد	قابلیت‌ها/فرصت‌های توسعه فضایی	ابعاد	مسائل و تنگناها و عدم تعادل‌های ساختاری
۱	اقتصادی	ظرفیت توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی با توجه به تنوع محصولات و دسترسی به بندر و بازارهای پیرامون؛	کالبدی	کمبود مسکن مناسب و متناسب؛
۲	کالبدی	ظرفیت زیست پذیری شهر-بندر چابهار و منطقه مکران نسبت به سایر نواحی ساحلی کشور و امکان توسعه شهر و شهرک‌های جدید؛	اجتماعی	وجود آسیب‌های اجتماعی در مقیاس وسیع با تأکید بر عامل رشد حاشیه‌نشینی گسترده و ضرورت ساماندهی روستاهای مهاجرپذیر پیرامون شهر؛
۳	اقتصادی	ظرفیت اشتغال‌زایی بخش شیلات و آبی‌پروری؛	کالبدی	کمبود آب شرب در حوزه شهری به میزان ۵۰٪ و وابستگی شهر چابهار به کارخانه آب شیرین کن منطقه آزاد (وابستگی به یک منبع) و فرسودگی شبکه توزیع؛
۴	اجتماعی	ظرفیت تنوع تولید در روستا و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بالا (توسعه مشارکتی)؛	اجتماعی	فقدان آب بهداشتی در مناطق روستایی؛
۵	محیطی	وجود شرایط اقلیمی منحصربه‌فرد نسبت به سایر مناطق کشور؛	اقتصادی	ناپایداری اقتصاد تولید و آسیب‌پذیری بخش کشاورزی از حوادث و بلایای طبیعی؛
۶	اقتصادی	وجود زمینه لازم به منظور کشاورزی تلفیقی، ارگانیک، کشت خارج از فصل و اتصال حلقه زراعت و دامداری؛	اجتماعی	عدم توازن و تناسب بین تخصص موردنیاز و تحول نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی؛
۷	کالبدی	ظرفیت محسوس نظام شهری در شکل‌گیری مجموعه سکونتگاهی همکار در حوزه زراعت و آستانه خدماتی محصولات مشترک در بخش پلان؛	مدیریتی	فقدان مدیریت یکپارچه و تسلط الگوی بخشی در منطقه شهری چابهار؛
۸	کالبدی	ظرفیت محسوس شکل‌گیری هر دو نظام شبکه‌ای و سلسله‌مراتبی در سیستم شهر-	کالبدی	تشدید روند تغییر کاربری اراضی و کاهش

تنوع زیستی؛		منطقه چابهار-تیس-کنارک و پیرامون؛		
محدودیت شبکه شهری و پیوند ضعیف شبکه شهری شمال، مرکز و جنوب با توجه به موقعیت بندری شهرستان؛	کالبدی	(روابط افقی و عمودی) با توجه الگوی پراکنش کانون‌های توسعه و کاربری اراضی؛	کالبدی	۹
افزایش سطح آلایندگی هوا در شهر چابهار به دلیل رشد تردد وسایل نقلیه سنگین و موتورسیکلت‌ها.	محیطی	ظرفیت محسوس در شکل‌گیری ساختار یکپارچه و مکمل کارکردی قلمروهای واقع در مجاور محور شرق.	مدیریتی	۱۰

منبع: مهندسان مشاور، برنامه‌ریز، شهر ساز و معمار، ۱۴۰۰: ۱۲۲

یافته‌های تحلیلی

تعیین مراتب دوگانگی شهرستان چابهار با رویکرد زیست‌پذیری با استفاده از مدل تاپسیس با عنایت بر ابعاد و شاخص‌های دوگانگی فضایی در شهرستان چابهار با رویکرد زیست‌پذیری و عوامل مؤلفه‌های مؤثر بر آن، با استفاده از مدل تاپسیس اقدام به تعیین میزان تحلیل ابعاد دوگانگی فضایی و زیست‌پذیری در دهستان‌های شهرستان می‌گردد. بر این مبنا نخست معیارها و گویه‌ها محاسبه شده؛ بدین معنی که پرسشنامه از کارشناسان دهیاری و اساتید دانشگاه و حوزه برنامه‌ریزی شهری پر شده و در میانگین پاسخ‌ها در گویه محاسبه شده و سپس در زیر ابعاد جمع‌بندی شده است و به منظور ارزیابی سطح دوگانگی فضایی با تأکید بر زیست‌پذیری در شهرستان چابهار متغیرها در مدل تاپسیس قرار داده شده است تا وضعیت فضایی و سطح زیست‌پذیرسنجش شود. جدول شماره ۶ میانگین پاسخ‌ها به دوگانگی فضایی در شهرستان چابهار با رویکرد زیست‌پذیری را نشان می‌دهد.

جدول ۶ ماتریس شاخص‌های بی‌مقیاس موزون دوگانگی فضایی در شهرستان چابهار با رویکرد زیست‌پذیری

ردیف	TOPSIS	مجمعی	کالبدی	اقتصادی	اجتماعی	زیست‌نگی	مدیریتی	سیاسی
۱	درآمد	۰.۰۴۰	۰.۰۶۴	۰.۰۱۲	۰.۰۰۵	۰.۰۳۲	۰.۰۴۰	۰.۰۳۹
۲	هویت و حس تعلق به مکان	۰.۰۵۳	۰.۰۴۰	۰.۰۱۰	۰.۰۰۳	۰.۰۴۹	۰.۰۴۸	۰.۱۷۷
۳	امکانات بهداشتی و درمانی	۰.۰۴۷	۰.۰۷۲	۰.۰۱۰	۰.۰۰۳	۰.۰۲۲	۰.۰۲۴	۰.۰۳۹
۴	کیفیت مسکن	۰.۰۴۰	۰.۰۵۶	۰.۰۱۲	۰.۰۰۴	۰.۰۱۶	۰.۰۱۶	۰.۰۲۰
۵	وضعیت دسترسی به حمل و نقل	۰.۰۴۰	۰.۰۵۶	۰.۰۱۲	۰.۰۰۴	۰.۰۱۶	۰.۰۱۶	۰.۰۲۰
۶	تعاملات اجتماعی و مشارکت مردمی	۰.۰۴۰	۰.۰۵۶	۰.۰۱۰	۰.۰۰۳	۰.۰۱۶	۰.۰۱۶	۰.۰۲۰
۷	قیمت زمین و مسکن	۰.۰۶۰	۰.۰۴۸	۰.۰۱۲	۰.۰۰۵	۰.۰۲۷	۰.۰۳۲	۰.۰۲۰
۸	امکانات تفریحی و اوقات فراغت	۰.۰۱۳	۰.۰۳۲	۰.۰۰۳	۰.۰۰۳	۰.۰۰۵	۰.۰۰۸	۰.۰۲۰
۹	فرصت‌های شغلی	۰.۰۲۷	۰.۰۴۰	۰.۰۰۸	۰.۰۰۳	۰.۰۳۸	۰.۰۶۴	۰.۱۷۷
۱۰	سرمایه‌گذاری	۰.۰۴۰	۰.۰۵۶	۰.۰۰۹	۰.۰۰۴	۰.۰۳۲	۰.۰۴۸	۰.۰۹۸
۱۱	امنیت	۰.۰۵۳	۰.۰۷۲	۰.۰۱۲	۰.۰۰۴	۰.۰۳۲	۰.۰۴۸	۰.۱۱۸
۱۲	آلودگی فضاهای عمومی	۰.۰۳۳	۰.۰۶۴	۰.۰۰۹	۰.۰۰۴	۰.۰۳۲	۰.۰۴۸	۰.۱۳۸
۱۲	حمل و نقل	۰.۰۳۳	۰.۰۶۴	۰.۰۱۰	۰.۰۰۳	۰.۰۳۸	۰.۰۴۸	۰.۰۹۸

منبع: یافته‌های نگارندگان، ۱۴۰۰

پس از انجام مراحل مورد نیاز با توجه به نوع شاخص (از نظر مثبت یا منفی بودن) فاصله هر معیار یا راه حل با راه حل ایده آل و راه غیر ایده آل محاسبه می‌شود و محلات مورد بررسی را به صورت نزولی مرتب می‌کند. هر چقدر



مقدار CLi بزرگتر باشد بهترین راه حل ایده آل محسوب می‌شود. جدول شماره ۷ فاصله مکانی دوگانگی فضایی شهرستان چابهار با تأکید زیست پذیری با راه‌حل‌های ایده آل و غیر ایده آل را نشان می‌دهد.

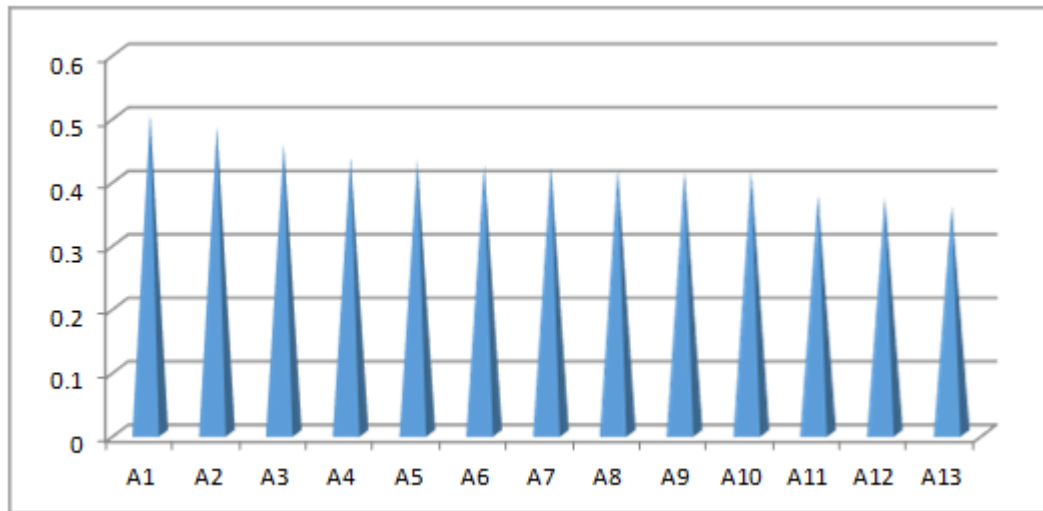
جدول ۷. فاصله مکانی دوگانگی فضایی شهرستان چابهار با تأکید بر زیست پذیری با راه‌حل‌های ایده آل و غیر ایده

آل

ردیف	معیارها	رتبه	CLi	$Di-$	$Di+$
۱	درآمد	۲	۰.۴۸۴	۰.۰۸۹	۰.۰۹۵
۲	هویت و حس تعلق به مکان	۱۳	۰.۳۵۸	۰.۰۱۹۶	۰.۳۵۲
۳	امکانات بهداشتی و درمانی	۵	۰.۴۳۱	۰.۰۹۴	۰.۱۲۴
۴	کیفیت مسکن	۹	۰.۴۱۲	۰.۰۶۸	۰.۰۹۷
۵	وضعیت دسترسی به حمل و نقل	۱۰	۰.۴۱۲	۰.۰۶۸	۰.۰۹۷
۶	تعاملات اجتماعی و مشارکت مردمی	۸	۰.۴۱۷	۰.۰۷۰	۰.۰۹۸
۷	قیمت زمین و مسکن	۳	۰.۴۵۷	۰.۰۸۰	۰.۰۹۵
۸	امکانات تفریحی و اوقات فراغت	۱۲	۰.۳۷۲	۰.۰۳۵	۰.۰۵۹
۹	فرصت‌های شغلی	۱	۰.۵۰۴	۰.۳۷۰	۰.۰۳۶۴
۱۰	سرمایه گذاری	۶	۰.۴۲۴	۰.۱۲۵	۰.۰۱۷۰
۱۱	امنیت	۷	۰.۴۲۲	۰.۱۵۱	۰.۲۰۷
۱۲	آلودگی فضاهاى عمومی	۱۱	۰.۳۷۵	۰.۱۵۹	۰.۲۶۵
۱۲	حمل و نقل	۴	۰.۴۳۶	۰.۱۳۰	۰.۱۶۸

منبع: یافته‌های نگارندگان، ۱۴۰۲

رتبه‌بندی متغیرها بر اساس حد ایده آل و غیر ایده آل در شکل شماره ۵ مشخص شده است.



شکل ۵. رتبه‌بندی متغیرها بر اساس حد ایده آل و غیر ایده آل

منبع: یافته‌های نگارندگان، ۱۴۰۲

در ارتباط با پاسخ سؤال پژوهش، ابعاد محیطی، کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی بر دو گانگی فضایی در وضعیت زیست پذیری شهرستان چابهار تأثیرگذار بوده است. بر اساس داده‌های بررسی شده در مورد دو گانگی فضایی شهرستان چابهار با تأکید بر زیست پذیری معیار فرصت‌های شغلی، با کسب امتیاز ۰/۵۰۴ توانسته است رتبه اول را به خود اختصاص دهد. معیار درآمد، با کسب امتیاز ۰/۴۸۴ رتبه دوم را به خود اختصاص داده و معیار قیمت زمین و مسکن توانسته رتبه سوم را به خود اختصاص دهد. در نهایت اینکه معیارهایی مانند سرمایه‌گذاری، امنیت، تعاملات اجتماعی و مشارکت مردمی و غیره به ترتیب در رتبه‌های پایین‌تری قرار دارند.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

سازمان فضایی شهر با ابعاد ادراکی، عملکردی در بسیاری از شاخص و متغیرها با زیست پذیری همخوانی و هم‌پوشانی دارد و علاوه بر آن در اهدافش در طراحی فضای شهری که به دنبال تفاوت یابی (ارتقاء کیفیت فضای شهری با گذشته) و همچنین هویت یابی (نیم‌نگاهی هم به گذشته و قطع نکردن ارتباط با سازمان فضای قبلی) است با زیست پذیری هم که به دنبال یک اتصال بین قدیم و جدید است، مشترک می‌باشد، یعنی از طرفی خواهان تغییر برای رسیدن به توسعه پایدار شهری و از طرفی خواهان حفظ منابع تاریخی برای آیندگان می‌باشد، لذا دو مفهوم اشتراکات کارکردی بسیاری در فضاهای شهر می‌توانند داشته باشند.

زیست پذیری دربرگیرنده راه‌حلی است که به سازمان‌دهی و ارتقاء کالبدی فضایی شهر منجر می‌شود. به طوری که از این طریق موجبات فراهم نمودن اقتصادی با دوام (اقتصاد شهری هماهنگ با تغییرات فنی و صنعتی جهت حفظ مشاغل پایه‌ای و تأمین مسکن مناسب در حد استطاعت ساکنین، با بار مالیاتی سرانه عادلانه)، اجتماعی

به هم پیوسته (همبستگی اجتماعی و احساس تعلق شهروندان به میراث‌های شهر و ...) و محیط‌زیست قابل سکونت و زندگی (هوای پاک، آب آشامیدنی سالم و اراضی و آب‌های سطحی و زیرزمینی بدون آلودگی) را فراهم نموده و موجبات تحول در سازمان فضایی شهر می‌گردد. چرا که نحوه سازمان‌یابی فضایی شهری هم تعیین‌کننده چگونگی عملکرد مناطق و محله‌های شهری و در نتیجه نشان‌دهنده نحوه دسترسی، میزان پایداری زیست‌محیطی، عدالت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و میزان نوآوری‌های فرهنگی و ... در این مناطق است. سازمان فضایی نامناسب می‌تواند منجر به افزایش فواصل میان افراد، فعالیت‌ها و خدمات و در نتیجه کاهش کیفیت زیست‌پذیری و کاهش سطح کیفیت زندگی گردد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که زیست‌پذیری شهرها و بخش‌های شهرستان چابهار در حال تغییر و تحول است. به طوری که زیست‌پذیری بخش‌ها با افزایش سطح دوگانگی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی و محیطی و مدیریتی کاهش می‌یابد و هم‌چنین تحت تأثیر عوامل مذکور است. بنابراین ماهیت زیست‌پذیری در مقیاس بخش‌ها تحت تأثیر عوامل ۵ گانه است. از این رو در انجام تحقیق حاضر و در راستای تحلیل زیست‌پذیری و دوگانگی فضایی شاخص‌های آن در قسمت‌های شمالی و جنوبی شهرستان چابهار و در قسمت‌های شرقی و غربی شهر چابهار، عوامل تأثیرگذار در ابعاد کالبدی، محیطی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی و میزان تأثیر بر زیست‌پذیری در سطح بخش‌ها، مورد توجه قرار گرفت. عمده تغییرات در سطوح زیست‌پذیری شهرها و بخش‌های شهرستان چابهار، با توجه به تغییر الگوی ساختار فضایی شهرستان و همچنین گسترش مکانی و فضایی از سمت شمال به جنوب و نفوذ به شهر چابهار به دلیل دسترسی به فرصت‌های شغلی بهتر در چهارچوب اقتضائات مکانی - ساختاری درون بخشی و جریان‌های فضایی در شهر چابهار، با در نظر داشتن واقعیت‌های عینی و درعین حال خوانش ذهنی شهروندان ساکن در این بخش‌ها تحت قالب بررسی توزیع فضایی انواع منابع و خدمات نیز ادراک ذهنی شهروندان و میزان رضایتمندی آن‌ها از محل سکونت خود و در نهایت پیوند نظری این دو قابل تحلیل است. با عنایت بر آنچه بیان گردید و با در نظر داشتن چهارچوب نظری تحلیل یافته‌ها می‌توان بیان نمود:

شاخص زیست‌پذیری شهرها و بخش‌های شهرستان چابهار و دوگانگی فضایی آن حاصل مجموعه‌ای از « ساختارها و سازوکارهای تأثیرگذار، جابجایی گروه‌های جمعیتی و اقتصادی و تغییر الگوهای مکانی هسته‌های تجاری و سکونتی است که در سطوح مختلف زیست‌پذیری عینیت فضایی یافته و آشکار می‌شود. تأثیر معیارها در ابعاد ۵ گانه کالبدی، محیطی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی از یک سو، و از سوی دیگر افزایش سطح دوگانگی فضایی در سطح شهرها و بخش‌های آن سطح زیست‌پذیری را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

با توجه به تحلیل یافته‌ها و پاسخ سؤالات و نتایج حاصل از انجام این پژوهش و با عنایت بر اینکه پژوهش حاضر به دنبال تحلیل زیست‌پذیری شهرها و بخش‌های شهرستان چابهار بود، از این رو پیشنهادها و توصیه‌هایی در جهت کاهش دوگانگی فضایی و زیست‌پذیری بخش‌های شهرستان چابهار ارائه می‌گردد:



مجله علوم جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، دوره ۲۰، شماره ۴۹، زمستان ۱۴۰۳، صص ۱۶۳-۱۸۵

- تمرکززدایی و فراهم ساختن زمینه‌های باز توزیع متعادل عناصر و عوامل زمینه‌ساز در زیست پذیری دهستان‌ها در قسمت شمالی شهرستان و قسمت شرقی شهر چابهار؛

- لزوم نگرش مدیریت یکپارچه در شهرستان چابهار در راستای افزایش زیست پذیری بخش‌ها؛

- توجه به سازوکارهای اقتصادی با تأکید بر نابرابری‌هایی فضایی در سطح بخش‌های شهری

- لزوم توجه به سازوکارهای اجتماعی با تأکید بر عدالت اجتماعی و رفع نابرابری‌های شهرها و بخش‌های شهرستان چابهار؛

- لزوم توجه به روابط متعامل فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی در سطوح شهری و بخشی.

تقدیر و تشکر:

شکر شایان نثار ایزد منان که توفیق را رفیق راهم ساخت تا این مقاله را به پایان برسانم. از استاد فاضل و اندیشمند

جناب آقای دکتر علیرضا استعلاجی و دکتر بهرام آزاد بخت به‌عنوان استاد‌های راهنما که همواره نگارنده را مورد

لطف و محبت خود قرار داده‌اند، کمال تشکر را دارم.

منابع

۱. ایمانی، بهرام؛ ضارب نیا و کانونی، رضا. (۱۳۹۷). ارزیابی و تحلیل میزان زیست پذیری در بخش مرکزی مناطق کلان‌شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران). نشریه جغرافیا و مطالعات محیطی، دوره ۷، ۲۶، صص ۷۰-۵۷.
۲. بابایی، عباس؛ کرکه آبادی، زینب؛ کامیابی، سعید. (۱۳۹۹). موانع مدیریت شهری در زیست‌پذیری شهرها، مطالعه موردی: شهر سمنان. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۲۰، شماره ۵۸، صص ۳۰۱-۳۱۸.
۳. باقری، بهنام؛ معصومی، محمدتقی؛ نظام فر، حسین و صمدزاده، رسول. (۱۴۰۰). تحلیل ناهمگونی فضایی شاخص‌های توسعه و رتبه‌بندی استان‌های کشور با تکنیک‌های آماره فضایی و تصمیم‌گیری‌های چندمنظوره، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیا، دوره ۱۴، شماره ۱، صص ۱-۲۲.
۴. جعفری اسدآبادی، حمزه. (۱۳۹۲). بررسی زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه کلان‌شهر تهران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر فرزانه ساسان پور، دانشکده جغرافیا، دانشگاه خوارزمی، تهران.
۵. جوان، جعفر؛ عبداللهی، عبدالله. (۱۳۸۷). عدالت فضایی در فضاهای دوگانه شهری. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، دوم: ۱۵۶-، صص ۱۴.
۶. جلیلی، معصومه؛ ساسان پور، فرزانه؛ شماعتی، علی؛ فصیحی، حبیب‌اله. (۱۴۰۰). تحلیل دوگانگی فضایی زیست‌پذیری در منطقه ۷ کلان‌شهر تهران. فصلنامه انجمن جغرافیایی ایران، شماره ۷۱، صص ۴۳-۶۱.
۷. حسینی، سید علی عارف؛ پناهی، علی؛ آذر؛ علی و ولی زاده، رضا. (۱۳۹۹). سنجش و ارزیابی بعد ذهنی زیست‌پذیری در بافت‌های شهری کلان‌شهر تبریز. نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال ۲۳، شماره ۷۴، صص ۱۳۶.
۸. خراسانی، محمدمین. (۱۳۹۵). تأملی در مفهوم زیست‌پذیری؛ شناخت، سنجش و رویکردها. دوماهنامه پژوهش در هنر و علوم انسانی، سال اول، شماره ۲، صص ۹-۱۵.
۹. خلیلی، احمد. (۱۳۹۰). درس‌نامه روش‌های کمی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر تهران، ایران.
۱۰. ساسان پور، فرزانه؛ تولایی، سیمین؛ و جعفری اسدآبادی، حمزه. (۱۳۹۴). سنجش و ارزیابی زیست‌پذیری شهری در مناطق بیست‌و دو گانه کلان‌شهر تهران. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۲۷-۴۲.
۱۱. سلیمانی، مهرنجان، محمد؛ تولایی، سیمین؛ رفیعیان، مجتبی؛ زنگانه، احمد؛ خزایی نژاد، فروغ. (۱۳۹۵). زیست‌پذیری شهری: مفهوم، اصول، ابعاد و شاخص‌ها. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۱، صص ۲۷-۵۰.
۱۲. گودرزی، هومان؛ یوسفی بابادی، سعید؛ و لطیفی، امید. (۱۳۹۸). تحلیل زیست‌پذیری محلات شهری در راستای توسعه پایدار (مطالعه موردی: منطقه ۲۲). فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۲، شماره ۲، صص ۲۴.
۱۳. سند توسعه و آمایش شهرستانهای استان سیستان و بلوچستان. (۱۴۰۰). شهرستان چابهار. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان سیستان و بلوچستان، صص ۱-۲۶۵.
۱۴. قاسملو، حسن؛ حسین زاده، اکبر؛ رومیانی، احمد. (۱۴۰۱). تحلیل اثرات توسعه گردشگری بر زیست‌پذیری مناطق روستایی (نمونه موردی: شهرستان طارم). نشریه جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای، شماره ۴۴، صص ۸۹-۱۱۶.



مجله علوم جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، دوره ۲۰، شماره ۴۹، زمستان ۱۴۰۳، صص ۱۶۳-۱۸۵

۱۵. ماجدی، حمید؛ و بندر آباد، علیرضا. (۱۳۸۹). بررسی معیارهای جهانی و بومی شهر زیست پذیر. نشریه هویت شهر، سال هشتم، شماره ۱۷، صص ۷۶-۶۵.

۱۶. موسوی، میرنجف؛ زارع، علیرضا؛ منوچهری میاندوآب، ایوب؛ آهار، حسن. (۱۳۹۶). تحلیل اثرات رشد پراکنده روی شهر بر زیست پذیری محلات شهری مورد: شهر مراغه. نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال هشتم، شماره ۳۱، صص ۱-۱۸.

۱۷. مهندسان مشاور، برنامه ریز، شهرساز و معمار. (۱۴۰۰). سند توسعه و آمایش شهرستانهای استان سیستان و بلوچستان (شهرستان چابهار). سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان سیستان و بلوچستان، صص ۱-۲۶۵.

۱۸. میری، غلامرضا. (۱۳۹۸). بررسی نظریه دوگانگی پروفیسور آرتور لوئیز در منطقه آزاد تجاری صنعتی چابهار با تاکید بر بعد فیزیکی کالبدی. نخستین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه، صص ۱-۱۲.

۱۹. وارثی، حمیدرضا؛ محمدی، جمال؛ موسوی نور، علی. (۱۳۹۷). ارزیابی و تحلیل مؤلفه‌های زیست پذیری کلان شهر تهران. فصلنامه جغرافیا، شماره ۵۱، صص ۲۵۸-۱۳۸.

20. Landry, C., (2000). Urban Vitality: A New source of Urban Competitiveness. Prince Claus fund journal, ARCHIS issue Urban Vitality / Urban Heroes.
21. Farzaneh. Sasanpour. (2017). Livable City One Step Towards Sustainable Development. Journal of Contemporary Urban Affairs, number3, pages 13-17.
22. Oon Khar Ee, Christina and Khoo, Suet Leng. (2014). Issues and challenges of a liveable and creative city: the case of Penang, Malaysia. Geografia: Malaysian Journal of Society and Space, 10 (3). pp. 33-43. ISSN 2180-2491.
23. Southworth, Michael. (2022). Learning to make liveable cities, Journal of Urban Design, ISSN: 1357-4809 (Print) 1469-9664 (Online) Journal homepage: <https://doi.org/10.1080/13574809.2022.1220152>.
24. Sheikh Taraj, w.; Van Amejideh, J. (2022). Promoting livability through urban planning: A comprehensive framework based on the "theory of human needs". Journal of Cities, Volume 131, December 2022, pages 6-14.
25. Wong, Alan T L. (2018). Sustainable development (urban transport and mobility) - "sharpening the saw" in shaping liveable cities towards quality of life experiences, 10th Malaysian Road Conference & Exhibition 2018, IOP Publishing.
26. Zanella, A.; Camanho, A.S.; Dias, T.G. (2015). The assessment of cities' livability integrating human wellbeing and environmental impact. Ann. Oper. Res, 226, 695-726.
27. Zhang, w.; Yuan, Q.; Cai, H. (2023). Unravelling urban governance challenges: Objective assessment and expert insights on livability in Longgang District, Shenzhen. Ecological Indicators, Volume 155, November 2023, pages 9-21.